

چند سند تاریخی

از

دوره زندیه و قاجاریه

از

محمد رضا نصیری

(دانشجوی دکتری تاریخ)

نامه کریم خان زند

به

محمد درویش پاشا صدراعظم عثمانی^۱

بسم الله تعالى

صحیفه منیقه محبت آغاز و نمیقه رشیقه مودت طراز که در این او ان سعادت اقران از جانب دوستی جوانب وزارت و شوکت و حشمت و اقبال پناه ، امارت و نصفت و عظمت و اجلال دستگاه فخامت و مجدت و نبالت انتباه ، شهادت و نجدت و بسالت اکتناه ، اسوة – الفخماء العظام ، نخبة الامناء الكرام ، اعتضاد السلطنة الباهره والسنیه ، اعتماد الدولة القاهره البهية ، رکن رکین اعظم سلطنت ، پایه متین افخم دولت وابهت . مشیر مفخم دستور مکرم امیر معظم نظام امور – البلاد بالرأي صائب ، کافل مهمات العباد بالفکر الثاقب ، نظاماً للوزارة والعشمة والعظمة والاقبال محمد درویش پاشا ادام الله تعالى اقباله وزیر اعظم دولت قوى شوکت عليه عاليه عثمانیه نگاشته قلم مودت شیم گشته بود بصحابت عمدتی الاقران سلیمان بیک و آقا علی تاتاران سمت وصول ارزانی و از مضمون بلاغت مقرر و موالفت مشحون آن که مشعر بر اظههار مراتب صفات منشی و مبنی بر تذکار مراسم صداقت روشنی بود اطلاع کامل حاصل گردید .

اشعاری که در تلوآن بخصوص کیفیت اغتشاش امور سرحدات و استخبار حقیقت بران نهیج زبان زد خامه مودت ختامه شده بود چگونگی آن بنحوایست که قبل از این بموجب نامجات مصادقت بینات ، ومن اسلات دوستی آیات ، در باب گذارش امور و سوء سلوك سرحدداران روم و وقایع حالات آن مرزو بوم مفصل و مشروحاً مرقوم که دو طفرا

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه - خط همایون - شماره ۳۷۲۳۳ .

را بمصحوب سفارت و مناعت نشان قدوة الاماجد والافاخم محمد وهبی افندی از راه دارالسلام بغداد و دو طغرا بصحابت عالیشأن معلى مکان زبدۃالافاخم عبدالله بیک قدیمی ، یساول بطريق ایلغار و رسم استعجال از راه ارزنة الروم ارسال که الى حال مشارالیهما شرفیاب بزم حضور گردیده ، آن عالیجاه رفیع جایگاه شوکت و اقبال پناه از کماهی حالات استحضار و اطلاع بهم رسانیده مضامین نامجات و مراسلات رامعروض واقفان حضور مینو دستور بندگان اعلیحضرت فلک رفت ظل الله شیدالله تعالی ارکان دولته و اجلاله داشته خواهند بود . و نظر برویه دولتخواهی آنچه صلاح دولت جاوید مدت قوی شوکت علیه عالیه متعالیه عثمانیه و آسایش حال مسلمین را در آن دانند از آن قرار معمول و مرتب خواهند داشت . و چنانچه عالیجاه عمر پاشا والی بغداد یا دیگری در مقام اعتذار برآمده بعرض عاکفان سدة سنیة اعلى بی تقصیری خود را خواسته باشند پذیرای عرضه ظهور سازند خلاف محض است .

از جمله افساد عمر پاشا اینکه جماعة خوارج مسقطی که از قدیم الایام مطیع و فرمانبردار صاحبان اختیار ایران بوده‌اند ، بتحریک مشارالیه در مقام عصیان برآمده ، با ایشان هم داستان که بالفعل سنکارات و سفایین جماعت مذکوره با جمعیت تمام در روی دریا با اهالی بنادر ایران در جدال و نزاع و حرب مشغولند که تاتاران سرکار و سمعت مدارکه درین وقت وارد شدند ، برحقیقت دعوا و نزاع آنها حسب الواقع مطلع و مستحضر گردیدند .

درین وقت که تاتاران مذکوره معاودت بصوب حضور موالفت دستور می‌نمودند بتحریر نمیقۀ الواد پرداخت . باقی ایام دولت و عزت و سعادت و کامرانی بردوان باد

تاریخ ندارد

مهر: در پشت نامه

نامه کریم خان

به

مصطفی پاشا والی بغداد

هو

بسم الله تعالى

پیوسته مقالید دارالسلام وزارت و دولت و اقبال و مفاتیح
حصول المرام سعادت و مناعت و اجلال در یداقتدار، و قبضه اختیار،
ساری بوده، کشور شوکت وابهت و کامکاری از تطرق جنود حوادث
مصون ومملکت مجده و نصفت و یغتیاری از تطاول عساکر فتن
محروس و مأمون باد.

بعد از گلددسته بنده بهارستان مصادقت و حسن مصافات و پس
از طی وادی اظهار خلت و صدق موالات، لوحه نگار صفحه صفه مدعای
میگردد که ، مراسله مودت طراز و مکاتبه صداقت آغازکه، در این
ایام مسرت نظام درجواب مراسله این مستعين به عنایت ملک علام
قلمی و بصحابت عالشأن سیادت نشان عمدة الامائل والاقران
سید علی آقای سلام آغاسی که بموافقت عالیشأن ابراهیم آقای مکری
مأمور باین ولا نموده بودند در اسعد اوان و ایمن زمان عز ورود و
وصول یافته مضامین دوستی آیین آن و ملفوفه ممہوره مرسوله ،
من اوله الى آخره معلوم گردید .

۱- اصل نامه بشماره 20 A-DVN-DVE در آرشیو نخست وزیری ترکیه
ضبیط است .

شرييکه بخصوص قبول و تعهد مطالب خمسه مرقومه که بملاحظه استحکام بنيان مصالحه قدیمه قويمه از طرف قرين الشرف پادشاه ذيجه اسلام پناه ظل الله ، و عاليجه وزير مكرم و دستور معظم مفخم آن عاليجه دوستی آگاه ، مأمور بانجام آنها گردیده ، ليكن (؟) هر يك از مطالب مزبوره را در ملفوه ممهوره به آن روش قلمی و ارسال داشته در طی تحریر زبان زد خامه اظهار شده بود ، که بعد از آنکه قشون های مأمور بسمت بصره و کرمانشاهان برداشته شود آن عاليجه مودت آگاه حسب اعلام اين نيازمند درگاه الله بانجام آنها خواهد پرداخت فرستاده آن عاليجه صفت آگاه در هنگام رسيد و مراسله را رسانيد که به چند روز خاصه قبل از آن غازيان مأمور سمت بصره بدون اينکه قتل و غارتی در آن ولايت صورت وقوع بهم رساند داخل بصره گردیده بودند .

نظر باينکه مكتون خاطر خلت مظاهر اين مستعين بعنایت رب معین تشیید مبانی دوستی و مصالحه قدیمه بوده و میباشد و سابقه صداقت آن عاليجه مجده آگاه نیز در نظر هست ، در اين وقت که آن عاليجه باین طریق خواهشمند این مطلب گشته و در مقام اظهار مراسله بوده حسب الخواهش آن عاليجه کس معین و امر گردیم که عاليجه رفیع جایگاه شوکت و جلالت دستگاه امير الامراء العظام نظر عليخان زند جارچی باشی سپاه نصرت پناه غازيان ، مأموره سمت کرمانشاهان از آنصوب حرکت و مرحله پیمای وادی مراجعت گردند .

البته بنحویکه مرقوم شده عازم صوب مراجعت خواهد شد نهایت در خصوص مقدرات بصره چون در این اوقات چنین اتفاق افتاده و غازیان مأموره آنجا را محل نزول ساخته‌اند تا چندی در ولایت توقف خواهند داشت تا آنکه بعون الله تعالى مقدمات تسخیر عمان و مسقط که مکنون ضمیر مودت تخمیر و از جمله مطالبات خمسه است صورت حصول پذیرفته و عالیجاه نیز مطالب خمسه مذکوره را بنحویکه از جانب خیریت جوانب امنی دولت علیه عالیه عثمانیه مأمور با نجام آنها گشته و خود هم محصل ملفوفه ممهوره را قبول و تعهد نموده است صورت انجام داده از قوه بالفعل آوردند . آن وقت غازیان مأموره آنجا را نیز احضار خواهم نمود .

درین وقت که عالیشان سید علی آقا فرستاده آن عالیجاه رخصت انصراف حاصل نموده ، عازم صوب مراجعت بود ، بنوشتن این مراسله مبادرت نمود طریقه اینیقه دوستی و وداد مقتضی و مستلزم آن است که همیشه ابواب خلت را بنگارش حالات خیریت علامات و اعلام مهمات گشاده و مفتوح میداشته باشد .

الباقي ایام دوستی فرجام حسب المرام مستدام و بکام باد .
برب العباد .

پشت نامه :

یا حفیظ تعالی شانه الله اعلی .

مراسله الوداد عالیجاه رفیع جایگاه وزارت و شوکت و اقبال پناه ، حشمت و شهامت و نبالت انتباه ، دستور معظم مکرم مفخم ، حاجی مصطفی پاشا والی والاشان دارالسلام ب福德اد .

سجع مهر : هوئامن

تاریخ ۱۱۹۰

نامه احمد خان حاکم خوی

به

سلطان عبدالحمید عثمانی^۱

عرضه داشت کمترین بندگان دولتخواه ،

بموقف عرض اقدس باریافتگان محفل خلد مشاکل ، و قرب
پذیرفتگان بزم مینو شمایل، بندگان سلیمان مکان، سکندرشأن خلافت
نشان، گیتی ستان، خاقان زمان و قaan دوران، مدارله تعالی ایام
دولته مدام اللیالی والایام و لازال ظلال رافته مظللة افرق
فرق الانام میرساند که :

توقيع رفيع همایون لازم الاتباع، و منشور لامع النور آفتاب
شعاع مطاعی که، بحکم فیضان عواطف علیه پادشاهانه، و افاضه
عوارف بهیه شاه منشانه ، از مصدر عنایات و اشفاع شامل الافق
خاطر ملکوت مناظر آفتاب اشراق والاشراف صدور و اشتقاد پذیرفته،
نامزد کمترین نیکان عقیدت اخلاق گردیده بود ، در هنگامیکه نسیم
اقبال از مطلب مطلب روایی و نجع آمال در تبسم ولب امیدواری از
ظهور طلیعه حصول بمتابه غنچه زار در تبسم میبود، كالواردات الغیبه،
شعشه آرای ساحت ورود و بمراسم تعظیم و تفحیم مبادرت و تقدیم
نموده ، تمیمه بازوی اقبال و امیدواری نمود.

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه ، خط همایون - شماره A / ۹۴

از آنجائیکه اراده بیچون حضرت مسیب‌الاسباب عز اسمه نفس قدسی منشأ و ذات علوی آشیان شاهانه را بعلیه قدائلح من زکیمها متجلی گردانیده ، هر آینه جو امع هم با هر برنظم امور خلائق که ذریعه حضرت خالق میباشدند، موقوف خواهد بود و لذالک المراتب درین اوقات مقرن بخیر و برکات که حقیقت نیت فاسدۀ ار اکلی مفسدت آئین و عقاید کاسدۀ کفره و مشرکین خذلهم الله در پیشگاه خاطر خطیر والا که دائمًا مشکوكة انوار غیبی مستضیی و مستثیر باد سمت ظهروریافته ، مجدداً کمترین بندگان رابعن خطاب مواعیظ و تنبیه‌هات لازم الاعاظ شرف انتباه و ایقاظ ارزانی که، نظر بر اتحاد دین و اینکه کافل حمایه بیضه اسلام و عموم مسلمین میباشدند ، استحصلال اسباب حمایت و وقايت ممالک آذربیجان بر ذمت همت تاجدارانه واجب، و بعد از آنکه ما بندگان دولتخواه را علم قطعی براین مراتب حاصل گردد ، البته غدر وحیله مشرکین لعین نگردیده ، چنانچه از کفره مخدوله مزبوره نسبت بممالک عدالت مسالک سلطانی ویا بولات آذربیجان علامت سوء قصدی ظاهر گردد ، بمحض اوامر شریفه که سابقًا لاحقاً شرف صدور یافته، ما بندگان دولتخواه ، نظر بر تناضای غیرت دین وبضمون آیه ، و افی هدایه ولاطع المشرکین، به کفره مخدوله ما میل درکین نگردیده، با وزراء و امراء و صاحبان الولیه و سران سپاه نصرت پناه، ممالک قریبہ الحدود سلطانی، اتفاق، و بحکم کریمه، ان الله اشتري من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فتقتلون وتقتلون، جواب ناصواب خدعا و فریب آن طایفه خذلان نصیب راحواله زبان تیغ و بذل مجاهود بید ریغ بعمل آورده باشیم، بر مراتب عقیدت و امیدواری بچندین مراتب افزوده ، طوطی زبان را بشکر گزاری این فیض عظمی ، و موهبت کبری شکرخا و نوبت کامرانی و مبارفات با وح اعلی رسانید. فللا من مليک وقف همته العالیه و صرف اجتهاداته البالغه فی نصرة

حزب الله و تقویم الدين وبذل اجتهداته التامه فى تأمين المسلمين ليستريح هذه الامة الشريفة من افراط الظلمة والكافر و تورط شرور الاشرار والله يوفقه والبنتى يؤيده و روح القدس تلقية.

هر چندانکه بندگان کمرین نیز، با عقول ناقصه خود بر کمال مکروحتیال کفره مزبوره خبیر، و بهیچ وجه من الوجه البته خدعا و تزویر نگردیده، اعتمادی بر اظهار محبت و مصافات غرض آمیز آنها نمی نمود. احوالات تاتار قریم و نصارای قرالله را که در مقام استشهاد مزید تبصر و آگاهی اعلام فرموده بودند. کیفیت تزویر و تغیر کفره مذکوره مانند بیاض نهار مکشوف و روشن گردید . بعد ما هذاکه همایون فال عواطف علیه پادشاهانه سایه گستر سر ما بندگان عقیدت نشان میباشد استظهار و اعتضاد نویدات و تعهدات خدیوانه علاوه غیرت دینیه و حمیت مليه گردید .

على حسب الاوامر الشريفه با عموم خوانين آذر بیجان و وزراء و امراء و صاحبان الویه و سران سپاه ظفر دستگاه ممالک قريبة العددود سلطاني، متفق المهمه و متعدد الكلمه گردیده بعراکات متبرصانه قیام ، و چنانچه از جماعت مخدوله کفره وجه آمن الوجه سوء قصدی و حرکتی به ابص و انحا ممالك سلطاني و ولايات آذر بیجان سمت ظهور یابد، در شاهراه دین مبین و اوغور دولت جاوید مدت ابد رهین بیمامن دولت واقبال مصون از زوال حضرت تاجداری بمقابلہ و مقاتله اقدام نموده، بعون الله تعالی وحسن توفيقانه صرف نقدینه وسعت و بذل قصارای مکنت و نهمت خواهیم نمود.

استدعا از عواطف علیه و مراحم بیکران حضرت پادشاه اسلام پناه چنانکه سایه مراحم بیدریغ خسروانه را دریغ نفرموده، ساحت احوال ما بندگان دولتغواه را مطرح حسن انتظار علیه فرموده باشد. أمره الاشرف الاعلى مطاع نافذ افی الاقطاع والارباع .

مهر در پشت نامه تاریخ ندارد .

= ۴ =

نامه احمدخان حاکم خوی

به

سلیمان پاشا والی چلدر^۱

چندانکه گل صبح و سنبل شام در چارچمن فصول اربعه خدم و خندان، و زلال انوار سرچشمہ آفتاد تابان برسبزه زار سپهر اخضر غلطان است، گلهای رنگین وزارت و اقبال بندگان جلیل القدر والشأن، منبع الجود و الاحسان، عالیجاه رفیع ومنبع جایگاه، دولت و عظمت و جلالت همراه، شهامت و فخامت و بسالت دستگاه، ابہت و نصفت و عدالت انتباه، رافت و عطوفت و ملاطفت آگاه ، مسند آرای وزارت عظمی، و وساده پیرای صدارت کبری، اعتماد الدوّلة العلیة العالیة، و اعتضاد السلطنة البهیة السلطانیه سلطانی ادام الله تعالی اقباله و اجلاله العالی، در بوستان عنایات و تفضلات چمن آرای حدیقه عالم امکان شکفته و خندان و از سرد نفسی های دوران درامان بوده، زلال ذکر خیر و آوازه احسان، از چشمہ سارالسنہ و افواه جهانیان، بر گلشن روزگار روان، و ببل خوش نوای طبایع بنی نوع انسان در شاخصار نیل و نهار ، بتذکار محمد اطوار و احسان گویا ، و رطب اللسان یاد .

بعد از اتحاف گلدسته دعوات و افیات مخالفت آیات و اطراف سنبل بسته تسنیمات ذاکیات مصادقت علاماتی که در ریاض خاطر اخلاص زواهر نشو و نما یافته عطر افزای محفل عقیدت و اخلاص

۱- اصل نامه در آرشیو نخست وزیری ترکیه تحت شماره A/۹۴ خط همایون ضبط است . قطع ۷۲/۵ × ۴۶.

ولخلخه‌سای مشام مصادقت و اختصاص تواند بود، بررأی ملک آرایی عطوفت و ملاطفت اقتضای عالی مرفوع و مشهود میدارد که از آنجائی که نفس قدسی منشانه و ذات علوی آشیان شاهانه از بد و فطرت بعلیه قدافلخ من زکیمها متعلی گردیده و جوامع هم‌باهره و سوانح آراء زاهره برعبودیت خالق و ترفیه حال خلائق مصروف میباشد.

درین اوقات توقيع رفیع همایيون مطاعیکه در باب تنبیه و ایقاظ ما مخلسان دولتخواه بشرف صدور مقرون و بصحابت ابراهیم بیک کاتب خزینه عالیجاه معلی جایگاه عمدة‌الوزرا، والی والاشان چلدر سمت ارسال یافته بود با نضمam التفات نامه عطوفت طراز عالی شعشعه آرای ساحت ورود و مراسم تعظیم تقدیم نموده تمیمه بازوی اقبال و وشاح صدر آمال‌گردیده افتخار عظیم و مبارفات جسمیم بحصول انجامید. امید که مادام اللیل والساج والسماء ذات ابراج جناب باری عن اسمه آفتاب دولت واقبال مصون از زوال حضرت تاجداری را برافق خلود و دوام جلوه‌گر بوده و ساده لازم السعاده وزارت واقبال بفر وجود عالی مزین و پرزیور باد.

تنبیهات چندی که در خصوص عدم میل در کون بقدر و حیله کفره مخدوله در ضمن مضامین التفات آئین آن اندرج و احوالات تاتار قریم و قرالله را شاهد این معنی فرموده بودند باعث مزید تیقظ و آگاهی گردید.

بعد ماهذا که همای همایون فال عواطف علیه پادشاهانه سایه گسترش ما بندگان دولتخواه گردیده استظهار و اعتضاد نویدات و تعمیدات خدیوانه و توجه والتفات آصفانه علاوه غیرت دینیه و علی حسب الاوامر الشریفه، ماعمول خوانین آذر بیجان اتفاق ورزیده چنانچه از جماعت مخدوله مذکوره نسبت به ممالک عدالت مسالک سلطانی و

ولایات آذربیجان سوء قصدی ظاهرگرد با وزراء و امراء و صاحبان الولیه و سران سپاه ظفر دستگاه ممالک قریبۃ الحدود ممالک سلطانی متفق‌الہمة و متحدد الکلمه گشته بعون و عنایت حضرت باری عزاسمه و بمیامن دولت ابد مدت جهانداری خلدالله تعالی ملکه بمقابلہ و مقاتله پرداخته صرف نقدینه وسعت و مکنت خواهیم نمود.

و از عوارف بهیه سلطانی موازی یک قطعه ساعت مرصع و مبلغ هزار عدد جدید رباعیه و هزار عدد جدید نصفیه از سکه حسنی شهریاری نامزد تلطف و اعزاز کمترین بندگان دولتخواه گردیده بود به ایصال ابراهیم بیک مرقوم واصل و کمال افتخار و امتیاز حاصل گردید. امیدکه مادام الایام عمر و دولت جاویدمدت حضرت تاجداری پاینده و آفتاب سلطنت الى قیام الساعه تابنده باد.

در این اوقات که مرقوم از ایصال فرامین قدر آیین و تشریفات ملوکانه فراغت حاصل و در محل انصراف میبود بتحریر صحیفة الاخلاص مبادرت و خود را مذکور خاطر فیض مظاہر عالی ساخت. متممی و آمل است که اغلب اوقات با ظهار توجهات والتفات فائمه و رجوع مرجوعات و خدمات لایقه اخلاص مخلسان قرین کمال مسرت و رهین غایت منت فرموده باشند. باقی کوکب مسعود صدارت و اقبال بی زوال باد.

كتابخانه ملی سه سوی قم

مهر در پشت نامه

سبع مهر. «الهی فابشرنی علی دین احمد»

= ④ =

نامه احمد خان مراغه‌ای به

صدر اعظم عثمانی^۱

عرضه داشت کمترین بندگان . احمد مراغه

بشرف عرض مقربان در بارخلافت مدار و بار یافته‌گان محفل ارم تمثال اقدس ارفع امجد اشرف اعلی میرساند که: در این او ان فیروزی نشان و زمان سعادت اقتران که توقیع رفیع قضا نشان شاهنشاهی و فرمان مبارک مطاع عالمیان مطیع قدر توامان اسلام پناهی، از فرط التفاتات بی‌پایان و وفور شفقت و مرحومت بیکران بندگان سکندر شان قیصر پاسبان خاقان غلام فریدون احتشام پادشاه اسلام پناه ادام الله اقباله که با فتخار و سرافرازی این غلام شرف صدور یافته، و بصحابت عالی شان سعادت ارکان ابراهیم بگئ کاتب خزانه عالیجاه رفیع جایگاه، وزیر مکرم دستور معظم سلیمان پاشا والی چلندر عز وصول ارزانی ، از اظهار شف و مكرمت پادشاهانه وصول توقیع رفیع مشفقانه افتخار و سربلندی حاصل ، ان شاء الله تعالى سایه مرحومت وظل مكرمت شاهنشاهی اسلام پناهی در مفارق کافه اهل اسلام مستدام و بردوام باد برب العباد .

و در طی آن از آنچه که احوالات و گزارش حالات اغوا و افساد کفره گرجیه و روسيه و چگونگی مکر و حیل آن گروه مکروه و خدعا و

۱- اصل در آرشیو نخست وزیری ترکیه بشماره K/۹۴ خط همایون ضبط است.

فریب آن طایفه نابکار خذلان شعار با قاطبه اهالی اسلام و زمره ملت شریعت مطهره خیر الانام محمدی صلی الله علیه وآلہ واصحابه و بخصوص وساوس ابلیس ثانی ارکلی خان گرجی با اهالی ولایات آذربایجان مرقوم شده بود اظہر من الشمس معلوم ومحقق است و دیگر محل شک و استباهی نمی باشد .

ازقراریکه حسب الفرمان قضا جریان قدر توامان امر و اشاره شده بودکه به بندگان ذیشوکت و شأن عالیجاه رفیع جایگاه شوکت و جلالت دستگاه امیر الامراء العظام عمدة الخوانین الكرام مخدومی مطاعی احمد خان صاحب اختیار ممالک آذربایجان و بهریک از حکام و خوانین داغستان و شروان و گنجه و قرا باغ و ایروان فرامین مطاعه لازم الاطاعه بهمین مضمون شرف صدور یافته که از کید و مکر آن طایفه خذلان نشان و کفره گرجیه ضلالت ارکان غافل نبوده، در صیانت و محافظت این سرحد و ثبور اهتمام تمام و سعی ملاکلام مبدول دارند، انشاء الله تعالی این غلام هم بتعویکه امر و مقرر شده ، با بندگان جلیل الشأن مخدومی معظم الیه و سایر حضرات در عالم مسلمانی و ملاحظه هم مذهبی بطريق مرافقت سلوک ، و بقدر یکمو از اوامر علیه و از رفاقت و موالفت عالیجاه والا جایگاه مخدومی معزی الیه تخلف نخواهد ورزید.

از آنجاکه واجب دانسته بعرض این مراتب جرأت و جسارت نموده باقی امره الاشرف القدس الارفع الامجد الاعلى مطاع .
مهر پشت نامه . «عبده احمد»

نامه میرزا عیسی قائم مقام
به

ابراهیم پاشا^۱

گلدهسته تعبیاتی که جیب حوران جنان از عطر افشنانی آن صد
چمن، بوی دلاویز عیبر بیز عاریت نماید، تحفه بزم دوستی نظم
جناب وزارت و نبالت و بسالت مآب، صرامت و شهامت و مناعت نصاب،
مجدت و نجدت و مکرمت انتساب، عزت و سعادت و معالی اکتساب،
کافل مهام جمهور، ناظم مناظم امور، شمساً لفلك المز والأقبال،
بدرأ لسماء النساء والاجلال، ذوالرأي الصائب والفك الثاقب، صاحب
المعالی والاقتدار، ساحب ذيل المجد والفخار، دوست خجسته نام با
احترام، دام اجلاله الى يوم القيام، ساخته برصفعه مودت و ولا
مینگارد که :

مراسله محبت موافقه در زمانی که مرکز دایرہ اقبال بعزم دفع
اهل کفر و ضلال در خارج دار السلطنه تبریز، رایت جلال افراحته
بود رسید، و از مژده و رود میمنت آمود آن جناب بولايت ارزنه الروم
و کیفیت آراستگی لشگر و وفور استقلال آن جناب بهجهت بر بجهت
افزود.

چون درین وقت از یک جانب رایت بصیرت آیت نواب اشرف
ولی النعم، مالک رقاب امم، نایب السلطنه العظیمی، خلیفة الخلافة
الکبری دامت شوکته برای دفع کفار خذلان شعار شقه گشاست، و از

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه - خط همایون - شماره ۱۲۱ .

طرفی دیگر شاعع مهرسلطنت و فروغ بدر خلافت شاهزاد والاتبار علی خان، باتوپخانه و زنبورکخانه آتشبار و پیاده وسوار و تدارک بیشمار نهضت پیرا، و اردوی قیامت شکوه پادشاهی نیز از عقب دو معسکر ظفر اثرمایه استظامهار دو لشکر میباشد، لهذا انشاء الله تعالی از کشش و کوشش بهادران دو دولت و مبارزان دوشوکت درین سال همایون فال، بالکلیه قلع و قمع ماده کفر و ضلال خواهد شد، و ضرب دست و قوت بازوی اسلام، معلوم و مشهود کفره لئام خواهد گردید.

لیکن چون اختلال امور اخسقه و بایزید و قارص زیاده از حد و نهایت است هرچه آن جناب زودتر بنظم امور آن حدود شتابند و تدارک کار را قبل از وقوع شورش و فساد باستعمال دریابند، بصواب اقرب و برای مصلحت کار انسب خواهد بود.

مترقب است که همواره حقایق حالات بجهت علامات را با هر گونه مهمات و مرجوعاتی که داشته باشند بمقام اعلام درآورند که در طی آن لوازم دوستی بعمل آید.

باقی ایام دوستی و مودت بکام باد.

پشت نامه

صحيفة الوداد جناب وزارت و شهامت و نبالات نصاب فخامت و مناعت
ومكرمت انتساب مجده و نجدت ومعالي اكتساب دوست خجسته نام
با عز و احتشام ابراهيم پاشا دام اجلاله

سنه ۱۲۲۵

مهر: عبده عیسی الحسین

نامه قائم مقام
به
رئیسالکتاب دولت عثمانی^۱

تا جهان را قرار و فلک را مدار است ، ذات حمیده صفات جناب
مجده و جلالت نصاب ، فخامت و مناعت انتساب ، نبالت و ممتازت مآب ،
ناظم الامور بالرأي الصائب ، کافل مهام الجمھور بالفکر الثاقب ،
ذى المجد الاشیل والشرف النبیل مشیر مشتری نظیر ، دستور صائب
تدبیر ، برادر محبت انتساب ، رئیسالکتاب ، دام اجلاله ، فلك عزت و
جلالت را مدار باد بمنه وجوده .

بعد از شرح مراسم دعوات و افیات اجابت آیات ، مشهود رأى
اصابت پیرای مؤالفت اقتضا میداردکه ، از قراریکه بارها مسموع
افتاده ، سوا اموال مضبوطه تجار مال جمعی دیگر از اهالی ممالک
دولت علیه ایران از حجاج و تجار وغیره ، در ممالک دولت سنیه عثمانی
مانده ، که برخی را بعدوان از آنها گرفته اند و بعضی صاحبان آنها
مرده ، بعلت عدم وصی و وکیل او ضبط شده و بعضی دیگر بطورهای
مختلف از دست آنها بیرون رفته ، صاحبان آنها بعضی صغیر ، و برخی
فقیر ندکه از آمدن بآن حدود بعلت بعد مسافت متعدد میباشند ، و
موافق مصالحه و جهت جامعه اسلامیه و مستلزمات دوستی و الفت
دولتین علیتین همه اموال مزبوره باید مطالبه واسترداد شود .

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه - خط همایون شماره ۸۰ .

لهذا عالیجاه، رفیع جایگاه، عزت و سعادت همراه، زبدۃ الاماجد
والاعیان، آقا مصطفی وقایع نگار و معتمد سرکار اشرف والا از
حضرت سپهر مرتب نواب مستطاب ولی النعم علی الہم نایب
السلطنه العلیه ابدالله تعالیٰ ایام اقباله مأمور، وبعده او مقرر
داشتہ اندکه همه آنہارا موافق دفتر و حساب که تسليم او شده درہر
جاکه باشد مطالبه و بازیافت کند .

البته آن جناب نیز بملحوظه الفت و اتحاد دولتين ابد بنیاد، و
رعايت حال مسلمین و عباد درین باب لازمه حمايت و رعايت به عالیجاه
مشارالیه کرده تقویت های کلیه بعمل خواهند آورد. و تقریرات و
افادات او دراین مهم و غیره معتبر و معتمد خواهند دانست. و
همواره بنگارش مراسلات دوستانه فاتح ابواب الفت و موالات باشند.
ایام جلالت و مناعت مستدام باد .^۲

پشت نامه

جناب مجدد و جلالت نصاب، فخامت و مناعت انتساب نبات و
متانت مآب، ناظم الامور بالرأی الصائب، کافل مهام الجمھور بالفکر
الثاقب ذی المجد الاثیل والشرف النبیل مشیر مشتری نظیر دستور
صائب تدبیر برادر محبت انتساب رئیس الكتاب دام اجلاله العالی

مهر :

تاریخ ندارد

۲- آین نامه بعد از مصالحة ۱۲۲۸ ارسال شده است .

- ۸ -

نامه حاجی میرزا آفاسی به

ایران در استانبول

میرزا محمد خان مصلحت‌گذار^۱

عالیجاها مجده و عزت همراهها ، ارجمندا .

در این عالم خلقت شخص انسانی ، واين حیات و زندگانی ، واين چند روزه عمر دنیای فانی ، فحمدالله ثم حمدالله که بچیزی از علائق و مال دنیا و این جهان علاقه نبسته و میل و دل بستگی نداشته و ندارم ، و ذخیره و اندوخته را طالب و راغب نبوده ام که جمع کرده فراهم آورم ، مگر چند جلد از کتب احادیث و اخبار و تفاسیر صافی و قاضی بیضاوی و غیر ذلك که در این مدت تحصیل کرده و اغلب اوقات را صرف مطالعه و ملاحظه آنها نموده ام . و در ایام حیات خود قرار داده ام که ، انشاء الله تعالى کتب مسطوره را وقف اماکن مشرفه و مشاهد مقدسه نمایم .

و نظر باينکه عتبات عاليات عرش درجات على ساكنها آلاف التعيه والثنا ، پيوسته مجمع ارباب علم و دانش و مکمن اصحاب فضل و بیشن است ، و همیشه علمای اعلام و فضلای ذوی العز و الاحترام کثرا له امثالهم ، نشر فيوضات و افادات در آن مکان شریف می نمایند ، على هذا کتب مزبوره را در مدرسه که انشاء الله الرحمن در آنجا خواهم ساخت وقف نموده ثواب آنها را بروزگار

۱- اصل نامه تحت شماره ۲۱۴۳ اداره خارجیه در آرشیو نخست وزیری ترکیه ضبط است .

فرخنده آثار خجسته شعار ، دو سلطان عادل و باذل ، و دو پادشاه با فر و جاه اسلامیان پناه ، و آباء و اجداد امجاد ایشان البسم الله حلل النور واسکنهم فی غرفات السرور ، بذل و هدیه کرده‌ام . و چون بعضی اوقات و برخی از ازمنه و ساعات صفحات عتبات عالیات عرش درجات خالی از آشوب و آفات نیست ، احتمال می‌رود که در وقوع آن حوادث و سوانح کتابهای مذکوره تلف شده مفقود و معدوم گردد یا در زیر دست و پای کسانی که قدر و قیمت آنها را نمیدانند بهدر برود و کسی قدر آنها را نداند ، باید آن ارجمند درین باب بخصوصه با جناب جلالت و نبالت نصاب ، فخامت و شهامت اکتساب ، دوست مکرم و مشفق معظم رشید پاشا ، این گفتگو و حرف را بیان بیاورید ، و جناب جلالت مآب معزی الیه مراتب منزبوره را بر وجه احسن با علیحضرت قدر قدرت قضا شوکت قوى مكنت ، سلطان البرین و خاقان البرین خلد الله ملکه و سلطانه ، عرضه دارند تا برعیغ رفیع و توقيع منيع از منبع عز و اجلال شرف اصدار یابد که ، اگر وقتی احياناً اغتشاش و انقلابی در آن صفحات روی دهد کس نتواند بمدرسه که من در آنجا بجهت کتابخانه ساخته‌ام و این کتب در آنجا ضبط است دست بزند و این خیرات دائمی باشد . باقی والسلام .

پشت نامه

عالیجاه مجده و عزت همراه ارجمندی محمدخان مصلحت‌گذار دولت علیه ایران مطالعه کند .
شهر و تاریخ ندارد .

نامه میرزا احمدخان

به

کتابخانه مدرسه فیضیه آلم

وزارت امور خارجه عثمانی^۱

تقریر حاجی میرزا احمدخان مصلحت‌گزار دولت علیه ایران

بنحویکه معلوم ابہت ملزم مشیرانه جنابعالی است، در فقره سیم عهدنامه منعقده ارز نة الروم مقرر شده بودکه، طرفین متعاهدین بر موجب همین معاہده حاضرہ سایر ادعائی خودشان را در حق اراضی ترک کرده برای قطع کردن حدود بین الدولتين مطابق ماده سابقه علی التعاقب از دو جانب تعیین مأمورین و مهندسین را تعهد مینمایند. بناء علیه از جانب خیریت جوانب اولیای دولتين علیتین اسلام با تفاقد مأمورین دولتين فخیمتین و استوتین ذاتی برای تحدید حدود مأمور شدند و قرارداد دولتين فخیمتین و استوتین هم بین بودکه، مأمورین تحدید حدود غیر از کشیدن خط سرحد ببروی کاغذ نقشه و اظهار بدولت متبعه خود دخل و تصرفی بهیچوجه ظاهراً و باطنًا در ایل و عشاير و رعيت و املاک متصرف فيه آنروزه طرفین نکرده، بمصدق اسطاطسکو عمل نمایند.

معهدۀ المراتب، جناب درویش پاشا؛ از جانب اولیای دولت عثمانی مأمور تحدید حدود شده بود، مجرد ورود بسرحد بدون حضور مأمورین دول ار بعه و پیش از شروع با مر تحدید حدود و محال قطور را که از جمله توابع ایالت خوئی و مملک صحیح و صریح بلازاع متصرف فيه دولت علیه ایران است، بخلاف اسطاطسکو غصباً تصرف کرده و سنگی در آنجا نصب و در روی آن حک کرده است، سنور دولت آل عثمان

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه، اداره خارجیه شماره ۳۳۲۹.

در ناحیه قطور سنه ۱۲۶۵، و بانواع تصرفات و مداخلات غصبانه در معال مزبور اقدام واجتسار نموده، از قبیل اقامت عسگر و توپ و تعیین قائم مقام واجرای خانه شمار و سرشمار و کشیدن قرعه و گرفتن عسگر و اخذ مالیات دیوانی و بنای اینیه مستحکمه از قبیل قلمه و قراول خانه و سربازخانه و مریض خانه های متعدد مسجد و انبار و آسیا و غیر ذلك بالعمله بسی این قبیل تجاوزات خاکی وغیره از طرف گماشتگان دولت عليه عثمانی نسبت به مالک محروسه دولت عليه ایران در سرحدات واقع شده است.

ولیکن موافق دستور العمل و تعلیمات اولیای دولت عليه ایران چون مطالبه رفع غصبیت معال قطور جزء اعظم مأموریت این اخلاقمند است، چنانچه در اول ورود باسلامبول دوستدار همین مأموریت خود را نیز بجنابان سفرای دولتین فخیمتین واسطه مقیمین در سعادت مکتب اظهار و ایشان را بنا بر توسطی که دارند استحضار داده است. لهذا بتحریر این تقریر نامه رسمیه پرداخته، رفع غصبیت معال قطور را که ملك صحیح و صریح بلا نزاع دولت عليه ایران است حقاً و رسمیاً از طرف باعالی مطالبه می نماید زیرا که این تصرف غصبانه بخلاف اسطاطسکو و نص صریح قرار نامه و حقوق قبلی پیش از شروع مأمورین دول اربعه با مر تعیین حدود، از جانب مباشرین دولت عليه عثمانی ناشی شده است.

حالا اگر بعد از تحقیق مأمورین هم، رفع نشود دیگرچه جای تعیین حدود باقی خواهد ماند.

ان شاء الله تعالى در عالم اتحاد دولتین از جانب باعالی قراری در باب رفع غصبیت آنجا داده مخلص را سریعاً از قرارداد خود مستحضر خواهند فرمود.

حرره في ۱۸ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۰

مهر

نامهٔ یکی از پناهندگان قاجار

به

صدر اعظم عثمانی^۱

مکرم برادر اعطوفت‌گستر

نوشته‌که از ایران از جمیت ایلچی دولت بهیه روسیه رسیده، و بخدمت آن مکرم برادر مهربان فرستاده حسب الفرموده، بتفصیل دیدم واز مضامین آن من البدایة الى النهاية مطلع گردیدم.

آنچه بعقل ناقص این ملتجی میرسد این است که، این نوشته را جوابی لازم است نوشتند و نزد ایلچی دولت بهیه روس فرستادند که، او بتاتار خود داده، بوزیر مختاریکه از جانب دولت روس در ایران است برسانند، و او بمنای دولت ایران برساند. اگر در این باب جوابی نوشته نشود، باعث معطلی کمال افتدی خواهد بود. زیرا که بآن مشارالیه خواهند گفت «جواب این تمنیات امنای دولت عليه را نوشته‌ئیم، و منتظر جوابیم». یا بهمین قسم باو نیز جوابی خواهند گفت، و این جوابها دردی را دوا نخواهد بود. و باین معاذین بیجاوی بی‌پاهم، نمیتوان سکوت کرد، و جواب گرفت. اگر باین معاذین امنای دولت عليه از تمنای خود چشم می‌پوشیدند، معلوم و ظاهر بود که ابواب معاذین از هرجمیت بجا و بیجا، موجه و ناموجه، گشاده است. مقصود امنای دولت جاوید عدت از این تمنا استخلاص ملکزادگان محبوس در اردبیل و آسایش ایشان بوده و هست، و گرنه

۱- آرشیو نخست وزیری ترکیه - خط همایون - شماره ۳۹ .

این نوع معدرت اظهر من الشمس وابین من الامس بود . اگر محمد شاه بنایش بریگانگیست با دولت علیه ، در استخلاص ملک زادگان محبوس که تمنای دولت جاوید عدت است ، حکم فرماید و راحت و آسایش ایشان را بخواهد تا یگانگی و محبت او با امنای این دولت ظاهر شود، وگرنه این محبتها بکار نمی آید که «ملک زادگانی که در باب عالیند اگر اراده امنای دولت علیه شود بیایند بایران بر سرخانواده خود ما عفو کردیم ایشانرا» اولا ما ها کاری نکرده ئیم که مارا عفو کند و حال آنکه برماست عفو او از آنچه کرده است با این خانواده .

و ثانی چرا همچو تمنائی امنای دولت علیه خواهند کرد، ایران نباشد، روم باشد، رزاق حقیقی رزق مارا بآب و خاک ایران حواله نکرده است، تا زنده ئیم درظل رافت شاهنشاه جهان، الحمد لله باندک اراده چندین نفر از امثال مارا نگاهداری میکنند، باحسن و جهی ادنای از رجال دولت علیه، منت خدایرا که از تصدق فرق مبارک شاهنشاهی نه بمحمد شاه احتیاجی مارا، نه بقرار او، کسیکه خودرا درشمار چاکران و بندگان این آستان شمرده سرش بسلطنت ایران فروند نمی آید . تاچه رسد بکوچکی محمدشاه . ایران وهست و نیست ایران پیشکش محمد شاه ، سراسقی سلامت، دولت پیر مغان باقی، خداوند عالم، سایه آفتتاب پایه خسرو گیتی سтан و خدیو دوران را، از س این ملت جی آستان ، و سایر برادران و برادرزادگان که در زیر سایه دولت ابد مدت شاهانه بسرمی برند کم نگرداند انشاء الله، و از سر جمیع اولاد خاقان مرحوم که همه چاکر این آستان فلك پاسبان

میدانند خود را ، اشهد بالله که غیر ازین نیست .

غرض این است ما که از همه چیز ایران گذشته ئیم ، لیکن شما از فرمایش خود در باب استخلاص اسرای ما باین معاذیر مگذرید . اگر محمدشاه وحشتی دارد از بودن ایشان بغیر حبس در ایران به باب عالی بفرستد و از دولت علیه تمنا کند که بمحبس شریف مکه بفرستند ایشان را ، باری این فقره برآن مکرم برادر مهربان ظاهر است که اگر تمنای امنای دولت علیه را بجا نیاورند ، عیوباتش در نظرها بچه مرتبه است و انگهی جزئی تمنائی . مختار شمائید بر هرچه فرمائید .

زیاده برین جسارت نمی نمایم ، زیرا که شما را برآن بیچاره های محبوس اسیر از خود مهربان تر دیده ام ، در استخلاص ایشان انشا الله امیدواری من همین است . امر کم مطاع ^۲ .
مهر و تاریخ ندارد .

۲- این نامه ظاهراً از مرتضی قلیخان یا تیمور میرزا است و محبوسین اردبیل ، جهانگیر میرزا و خسرو میرزا هستند که بصواب دیدگافئ مقام زندانی شده بودند .